

به بهانه امضای ششمین قرارداد IPC | مخالفت می‌کنم؛ پس هستم

م  تم

«الگوی جدید قراردادهای نفتی نوع تکامل‌یافته بیع متقابل سنتی ماست که البته الان می‌گوییم سنتی. یک موقعی بیع متقابل خودش قرارداد نوینی بود که عده‌ای مخالفش بودند و تا پای جان هم (بر سر نظرشان) ایستاده بودند، اما بعد که صحبت الگوی جدید قراردادهای نفتی شد، گفتند همان بیع متقابل خوب است؛ خب شما که زمانی با بیع متقابل هم مخالف بودید... یا می‌گفتند شرکت‌های اکتشاف و تولید گرگ‌زاده‌هایی هستند که تبدیل به گرگ می‌شوند، اما این مجموعه‌ها توانمندند».

این جملات را وزیر نفت گفت. بیژن زنگنه در آیین امضای قرارداد توسعه میدان یاران از انتقادهایی که نسبت به تدوین الگوی جدید قراردادهای نفتی یا راه‌اندازی شرکت‌های E&P در کشور مطرح شده بود، یاد کرد و با اشاره به سابقه مخالفت‌ها با قراردادهای بیع‌متقابل یا شکل‌گیری شرکت‌هایی مثل پتروپارس و مپنا، گفت «هرچه جدید باشد، عده‌ای مخالفش هستند.»

نخستین بار نیست که زنگنه به این انتقادات و مخالفت‌ها اشاره می‌کند؛ غرض از این نوشته هم تکرار مکررات نیست. فقط یک پرسش ساده: چرا اغلب با راهکارها و ایده‌های جدید مخالفت می‌شود؟ یک مرور ساده نشان می‌دهد سایه مخالفت‌ها و اتهام‌زنی‌ها در هر مقطعی به شکلی بر صنعت سنگینی کرده است. به تازگی گفت‌وگویی مربوط به سال ۸۹ از یکی از مدیران نفتی می‌خواندم که در بخشی آمده بود «این توهین بزرگی به بدنه کارشناسان و کارکنان صنعت نفت است که گفته می‌شود نفتی‌ها قراردادی امضا می‌کنند که منافع کشور در آن دیده نمی‌شود.» مصادیق بسیار است. کیهان که روزگاری ماهیت پتروپارس را «شترمرغی» توصیف می‌کرد و نسبت به واگذاری پروژه‌ها به این مجموعه معترض بود، پارسال با ذوق‌زدگی از واگذاری کامل توسعه فاز ۱۱ به این شرکت نوشت. مپنا که به زعم برخی حیات خلوت سیاسی تعبیر می‌شد، حالا از نگاه همان‌ها نماد توانمندی صنعت ایران است. مرور بخشی از صحبت‌های محسن صفایی‌فراهانی درباره روند شکل‌گیری مپنا به این بهانه خالی

از لطف نیست «بدنه وزارت نیرو به هیچ عنوان شرکت مپنا را نمی‌پذیرفت و مشکلات زیادی داشتیم. در شب‌نامه‌هایی که علیه‌مان پخش می‌کردید، موضوع برعکس جلوه داده می‌شد و در حالی که ما نگاهمان عمدتاً به ساخت داخل بود، از ما به‌عنوان نوکران غرب نام می‌بردند. می‌نوشتند آقای صفایی‌فراهانی جا پای آمریکا را صاف می‌کند و جاده آسفalte درست می‌کند که آنها وارد کشور شوند. به این صورت سعی می‌کردند فضا را آلوده کنند که خوشبختانه با روشن شدن نخستین بویلر نیروگاه اراک و پس از آن وارد مدار شدن آن این فضا شکسته شد». آنها که در دولت دهم و زمانی که صحبت از واگذاری برخی میدان‌ها در قالب مشارکت در تولید داغ شده بود، می‌گفتند «بهتر نیست به جای مشارکت در تولید، بیع متقابل را انعطاف‌پذیرتر و جذاب‌تر کنیم؟»، وقتی کار به جذاب کردن قراردادهای بیع متقابل رسید، باز فریاد مخالفت سر دادند؛ حتی عده‌ای فقط برای اینکه با الگوی جدید قراردادهای نفتی مخالفت کرده باشند، مشارکت در تولید را ارجح خواندند که زنگنه در مقطعی نسبت به این موضوع این‌گونه واکنش نشان داد: «گفته‌اند چرا قرارداد مشارکت در تولید امضا نکرده‌اید؟ من قرارداد PSA امضا کنم؟ اگر چنین کاری می‌کردم که شما سر من را از تنم جدا می‌کردید. شما با الگوی جدید قراردادهای نفتی مخالفت کردید، حالا چگونه از مشارکت در تولید صحبت می‌کنید؟»

این هفته یک قرارداد نفتی در قالب الگوی جدید قراردادهای نفتی برای توسعه و بهره‌برداری میدان مشترک یاران با یکی از شرکت‌های ایرانی صاحب‌صلاحیت در حوزه اکتشاف و تولید امضا شد. طبیعی است امضای این قرارداد به‌ویژه در شرایط کنونی که فضا برای کار و اشتغال چندان مساعد نیست، خبر مسرت‌بخشی بود. با امضای این قرارداد، یک شرکت ایرانی به مدت ۱۰ سال در یکی از میدان‌ها مشترک غرب کارون فعال خواهد بود و این روند به طور طبیعی ضمن ظرفیت‌سازی برای تولید، به رونق کسب‌وکارهای استان و اشتغال‌زایی برای نیروهای بومی هم کمک می‌کند. قرارداد یاران، ششمین قرارداد در قالب الگوی جدید قراردادهای نفتی است و پنج قرارداد دیگر نیز با استفاده از توانمندی‌های عمدتاً ایرانی در حال پیگیری است. طرح توسعه فاز ۱۱ پارس جنوبی که با عقب‌نشینی توتال و سران‌پسی مواجه شد، از سوی شرکت ایرانی پتروپارس در دست اجراست. اجرای طرح توسعه پنج میدان نفتی غرب کشور (آبان و پایدارغرب - چشمه‌خوش، دالپری و پایدار شرق) در قالب دو قرارداد با کنسرسیوم‌هایی ایرانی - خارجی در دستور کار است. طرح توسعه سپهر و جفیر مانند توسعه یاران با اتکای کامل به ظرفیت شرکتی ایرانی دنبال می‌شود و مپنا هم در

میدان‌های پاریسی و پرنج مشغول فعالیت شده. امروز الگوی جدید قراردادهای نفتی زمینه فعالیت حداکثری شرکتهای ایرانی را در طرح‌های کلان توسعه نفت و گاز فراهم کرده و مدت‌هاست دیگر از هیاهوها علیه این مدل قراردادی یا علیه E&P ها خبری نیست و حتی شاید در آینده‌ای نه چندان دور، منتقدان الگوی جدید قراردادهای نفتی آن را به‌عنوان سندی از افتخارهای خود معرفی کنند. دکتر شریعتی در وصف حال نیما (پدر شعر نو) بیان جالبی دارد که بی‌ارتباط با این موضوع نیست: «معمولاً کسانی اکثریت را خواهند داشت که حافظ وضع موجود باشند. نیما ۳۰ سال کارش این بود که از هر کس و ناکسی فحش بخورد. هر که می‌خواست در مجلسی خودی بنمایاند و بگوید من هم اینجا نشسته‌ام، یک فحش به نیما می‌داد. فحش دادن به نیما مد شده بود و علامت این بود که آقای فحاش جزو استادان و فضلا و قدماست. حالا همان استادان افتخار می‌کنند و می‌گویند شبی بود که در مجلسی وارد شدیم با مرحوم نیما، آنجا نشستیم و یکی با آن مرحوم زدیم.»

در نهایت، نه اینکه پرداختن به هر ایده جدیدی لزوماً بهترین راهکار باشد. هیچ عاملی نباید مانع بررسی و واکاوی ایده‌ها و سازوکارهایی شود که به‌ویژه در سطح ملی و بین‌المللی تعیین‌کننده و اثرگذارند، اما مقابله سخت با هر فکر و روش تازه‌ای هم منطقی به نظر نمی‌رسد و چه بسیار موانعی که از مخالفت‌های غیرکارشناسانه نشأت گرفته و تنها زمان را برای دستیابی به منافع ملی بیشتر هدر داده است. گاهی به نظر می‌رسد ساز مخالف زدن برای بسیاری، تنها راه ابراز وجود است.

ها نیه موحد